

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: سوره بقره

تاریخ: ۲۵ مهر ۱۴۰۲

موضوع جزئی: آیه ۵۱ و ۵۲ - بخش‌های دو آیه - بخش اول - مطلب پنجم -

مصادف با: ۱ ربیع الثانی ۱۴۴۵

۱. نعمت برای موسی(ع) - ۲. نعمت برای بنی اسرائیل

جلسه: ۴

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین

خلاصه جلسه گذشته

عرض کردیم آیه ۵۱ و ۵۲ سوره بقره پنج بخش دارد و هر بخشی متضمن مطالبی است که به مرور بیان خواهیم کرد. بخش اول، این فقره از آیه است: «وَإِذْ وَاَعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً». در مورد این بخش در جلسه گذشته چهار مطلب را ذکر کردیم.

مطلب پنجم

مطلب پنجم درباره نعمتی است که آیه متذکر آن شده است؛ چون عرض کردیم این آیات در واقع به بیان تفصیلی نعمت‌های خداوند به بنی اسرائیل اشاره می‌کند. قبلاً هم یکی دو نمونه از این نعمت‌ها ذکر شد؛ اینجا هم به یک نعمت بزرگ اشاره می‌کند و آن آمادگی حضرت موسی برای اخذ الواح تورات و بعد شرک بنی اسرائیل به واسطه طولانی شدن غیبت حضرت موسی و آنگاه عفو و بخشش خداوند نسبت به آنها است. اینکه عرض کردیم این یک نعمت است، هم برای خود حضرت موسی و هم برای بنی اسرائیل است.

۱. نعمت برای موسی(ع)

اما مواعده اربعین لیلۃ با خداوند تبارک و تعالی برای حضرت موسی از این جهت نعمت بود که استعداد و آمادگی او را برای دریافت الواح و قرب بیشتر به خداوند تبارک و تعالی قوی تر کرد. در جلسه قبل هم اشاره کردیم که به طور کلی از آیات و روایات بدست می‌آید که اربعین یک ویژگی دارد، اما برای کسی که می‌خواهد به خدا نزدیک شود، چهل شب راز و نیاز با خدا و خلوت و استغاثه به درگاه الهی، بسیار مؤثر است در تزکیه درون آدمی. علت اینکه شب یک ویژگی خاصی و موقعیت خاصی برای این نحوه ارتباطات دارد، این است که بالاخره انسان در شب از هیاهوهای روزمره زندگی به دور است؛ فرصت برای تأمل و تدبیر فراهم است؛ آنچه که می‌تواند رهنز باشد، از معرض دید و شنیدن انسان خارج است. احساس و حواس انسان کمتر می‌تواند مشغول اجتماع پر هیاهوی انسانی شود. بله، اگر کسی اسباب غفلت را برای خودش در شب هم فراهم کند، این بحث دیگری است؛ ولی به طور طبیعی در شب بستر تأمل و تدبیر در خویشتن و اعمال و رفتار انسان، فراهم تر است. قرآن هم در شب نازل شده است: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبَارَكَةٍ» یا «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» نزول قرآن از طرف خداوند برای پیامبر(ص) در شب، حکایت از این جهت می‌کند که

استعداد انسانی برای دریافت کلام خدا بیشتر است. یا مثلاً اسرا و معراج پیامبر(ص) در شب اتفاق افتاد: «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا»؛ یا به پیامبر گرامی اسلام(ص) امر کرده «وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَحْمُودًا»^۱؛ اینکه خداوند به پیامبر(ص) دستور می‌دهد شب را به عبادت و نافله بگذران، به واسطه همین است که پیامبر(ص) به مقام محمود مبعوث می‌شود.

اینها همه نشان دهنده این است که روح انسان در شب آمادگی بیشتر پیدا می‌کند برای ارتباط و نزدیکی به خداوند، برای رجوع به خویشتن و بیدار شدن وجدان انسان؛ چون معمولاً شب‌ها افکار مختلف به سوی انسان هجوم می‌کند؛ آن وقتی که از کار و تلاش روزمره فارغ است؛ کأن وجدان انسان بیدارتر می‌شود؛ نسبت به بعضی رفتارها و کارها خودش را سرزنش می‌کند، وجدانش او را نسبت به بعضی از کارها و رفتار تشویق می‌کند. یعنی این سرزنش‌ها و تشویق‌ها از سوی وجدان، در شب اتفاق می‌افتد؛ همین که انسان با هر عقیده‌ای کأن به طور ارتکازی و فطری شب به محاسبه خودش مشغول می‌شود، به شرط اینکه شرط خلوت برای انسان فراهم باشد؛ این بیداری وجدان و نتیجه نهایی‌اش می‌تواند اصلاح باشد، باعث تطهیر روح می‌شود، روح را از رذائل و ناپاکی‌ها تصفیه کند و لذا اتصالش با خداوند بیشتر می‌شود؛ روح ناپاک نمی‌تواند به خدا نزدیک شود؛ روح ناپاک جولانگاه شیطان است. اگر روح آلوده شد، به حسادت و کینه و نفاق و طمع و امثال اینها، این بهترین میدان برای تاخت و تاز شیطان است؛ این دیگر خیلی برای شیطان مؤونه ندارد که انسان با چنین روحی را در اختیار بگیرد و همچون سرباز از او بیگاری بکشد. اما وقتی روح از این ناپاکی‌ها دور می‌شود، استعداد پیدا می‌کند برای اینکه از خداوند تبارک و تعالی یک حقایقی را دریافت کند. خود زدودن این حجاب‌ها باعث می‌شود چشم انسان به سوی عوالم دیگر باز شود. البته این مراتب دارد؛ اینکه چه حد انسان تلاش کند که لمحض شود در این ارتباط و در این عبادت، این به حسب افراد فرق می‌کند.

اینکه تأکید شده روی مناجات و نماز و راز و نیاز شبانه، واقعاً همین است؛ شما حالات بزرگان را که ملاحظه بفرمایید، آنچه که برای آنها پیش آمده، عمدتاً محصول همین مناجات و راز و نیاز و عبادت شبانه است. این همه تأکید می‌کنند؛ اینکه از بعضی از بزرگان اهل سیر و سلوک نقل شده که دنیا می‌خواهید، آخرت می‌خواهید، نماز شب بخوانید، این بی‌جهت نیست. خداوند یک گنجی را در دل نافله شب قرار داده که هیچ کسی از آن مطلع نیست؛ اگر کسی اهل این نافله و استغفار بالاسحار باشد، خداوند گنجی به او می‌دهد که هیچ کسی از بزرگی و ارزش و عظمت آن آگاه نیست؛ اینقدر مسأله مهم است. اینکه خدا به پیامبر(ص) می‌فرماید «عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَحْمُودًا»، آن مقام محمود خودش محل بحث است بین مفسرین، که این مقام محمود منظور چیست.

۱. سوره اسراء، آیه ۱.

۲. سوره اسراء، آیه ۷۹.

به هر حال شب و سحر و راز و نیاز و عبادت و استغفار در دل شب و سحرها، استعداد انسان را برای ارتباط قوی تر با خداوند بیشتر می‌کند. این باعث تطهیر و پاکی روح می‌شود؛ تطهیر و پاکی روح خواه ناخواه مستلزم دریافت یک سری حقایق و حکمت‌هاست، و باز شدن چشم انسان به سوی بعضی از عوالم که پیش از آن، این عوالم برای او قابل رؤیت به معنای واقعی نبود.

حضرت موسی چهل شبانه‌روز در کوه طور به عبادت مشغول بود، ولی شب‌ها به خصوص ضمن امساک، راز و نیاز و استغفار و عبادت داشت. لذا ظرف روح حضرت موسی (ع) آمادگی پیدا کرد برای دریافت الواح؛ چون دریافت کلام الهی بدون آمادگی نمی‌شود. رسول خدا (ص) هم بعد از آن خلوت‌های طولانی مدت در غار حرا، این استعداد در او فراهم شد که کلام خدا بر او نازل شود. پس این وعده برای خود موسی (ع) یک نعمت بود.

۲. نعمت برای بنی اسرائیل

یک نعمتی هم بود برای بنی اسرائیل؛ حضرت موسی وعده داده بود که اگر ما از این نهر عبور کنیم و سالم بمانیم، من از خداوند برای شما کتابی خواهم آورد و آنچه را که باید بدان عمل کنید و آنچه را که باید از اجتناب کنید، در آن بیان خواهد شد. حضرت موسی به جایی رسید که از خدا تقاضا کرد «رَبِّ اَرْنِي اَنْظُرُ اِلَيْكَ»، می‌خواهم تو را ببینم، خودت را به من نشان بده؛ اینکه حضرت موسی به خداوند می‌فرماید خودت را به من نشان بده، معلوم است که منظور این نیست که به چشم حسی و به صورت محسوس خدا را ببیند؛ چون همین تقاضا را بنی اسرائیل از خداوند داشتند، می‌گفتند «لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى نَرَى اللّٰهَ جَهْرَةً»^۱، اینها به حضرت موسی عرض می‌کردند ما تا خدا را آشکارا نبینیم، به تو ایمان نمی‌آوریم. حضرت موسی در پاسخ به اینها می‌گفت خدا قابل دیدن نیست؛ این چه تقاضایی است که شما می‌کنید؟ آنها را تقبیح می‌کرد. اما همین حضرت موسی که بنی اسرائیل را تقبیح می‌کرد برای این امر، اینجا می‌فرماید «رَبِّ اَرْنِي اَنْظُرُ اِلَيْكَ» خودت را به من نشان بده. معلوم است که این دیدن خیلی فراتر از دیدن حسی است؛ نمی‌خواست با چشم سر خدا را ببیند. یک چنین ظرفیت و آمادگی حضرت موسی پیدا کرد؛ وقتی کتاب را گرفت، آن وقت این نعمت شد برای بنی اسرائیل؛ چرا؟ چون خود آوردن قانون، کتاب آسمانی، یک شریعت برای یک ملت و یک قوم، این مایه مباهات است؛ یعنی یک قوم به حدی برسند که خداوند تبارک و تعالی قانونی برای زندگی آنها در دنیا ارسال کند. پس این یک نعمت بسیار بزرگ هم برای حضرت موسی و هم برای قوم بنی اسرائیل بود.

حالا جزئیاتی دارد که چگونه در کوه طور این اتفاق افتاد و حضرت موسی چه گفت، با خدا سخن گفت، این سخن گفتن با خدا چه بود؛ جزئیات بیشتر در سوره اعراف آمده و آنجا بیشتر توضیح داده‌اند؛ که اینها را در همان موضع

۱. سوره اعراف، آیه ۱۴۳.

۲. سوره بقره، آیه ۵۵.

خودش بحث می‌کنیم. اینجا چون فقط در مقام اشاره به این نعمت است؛ نعمت بودن این وعده را اینجا بیان کردیم، که این هم برای خود موسی و هم برای بنی‌اسرائیل نعمت بود.

«والحمد لله رب العالمین»